



اشاره

این گفت و گوی ما به بهانه بیانات مقام معظم رهبری در بیستم شهریور ۱۴۰۲ هست که آقا در این صحبتها به این نکته اشاره کردند که دنیا دارد به سمت یکسری تحولاتی جلو می رود و در این تحولات ما نباید غافل باشیم و باید نسبت به این اتفاق هوشیار باشیم و تأکید حضرت آقا بر روی مسئله وحدت بود اینکه دشمن می خواهد وحدت را از جامعه بگیرد حالا بحثی که با حضرتعالی خواهیم داشت پیرامون این موضوع هست که با توجه به اینکه جامعه ما یک «جامعه متکثر» هست یعنی تشکیل شده از اقوام و گروهها و حتی مذاهب مختلف چگونه ما می توانیم این جامعه را وحدت را درونش حفظ کنیم و به آن چیزی که حضرت آقا می خواهد برسیم حالا من باب شروع اگر می خواهید نسبت به خود واژه متکثر و جامعه متکثر یک نگاهی داشته باشیم ببینیم اصلاً این مفهوم چیست تا به این سؤال پاسخ بدهیم که آیا اساساً این جامعه متکثر برای ما فرصت محسوب می شود یا تهدید؟

پیامدهای جامعه متکثر!

آیا جامعه متکثر، فرصت است یا تهدید؟

گفتگو با حجه الاسلام والسلمین دکتر غلامرضا پرهیزگار

مفهوم جامعه متکثر

استاد: اصطلاح جامعه متکثر شاید در نگاه اول یک مقداری تعارض آمیز بیاید از این جهت که ما وقتی به جامعه نگاه می کنیم جامعه منظوریان یک واحد اجتماعی هست یک مجموعه ای از آدمها هستند کنار همدیگر سامان گرفتند و به یک زندگی مشترک رسیدند به یک درک متقابل رسیدند پشتوانه این هم یک فرهنگ متکثر است که در یک جامعه آرام آرام شکل می گیرد و این آدمها را با هم چفت و بند می کند و می توانند با همدیگر زندگی کنند این نظم داشتن وحدت داشتن یکپارچه بودن در یک جامعه یک جورایی مفروض است اگر نباشد امکان زندگی فراهم نمی شود تا درک متقابل نباشد تا ما نتوانیم یک جورایی نیازهای هم را در کنار هم برطرف کنیم امکان زندگی فراهم نمی شود و جامعه شکل نمی گیرد.

فرهنگ پویا: یعنی مردم روی آن اشتراکات خودشان هست که می آیند کنار هم زندگی می کنند. استاد: بله این اشتراکات که حالا ما می گوییم فرهنگ که پشت ارتباطات و زندگی ما قرار می گیرد و آن را حمایت می کند اگر این نباشد زندگی مشترک هم اصلاً ممکن نمی شود.

حالا جامعه متکثر یعنی جامعه ای که انگار می خواهد این وحدت را نداشته باشد این انسجام را بخاطر اینکه در آن یک تکه تکه هایی وجود دارد مثل پازل یک مقداری مرزهایش از هم مشخص است لذا یک این سؤال پیش می آید این جامعه متکثر است چگونه می خواهد زندگی کند زندگی مشترک داشته باشد؟ یک مقداری در وهله نخست تعارض آمیز به نظر می رسد.

عوامل تکثر در اجتماع

اگر یک جامعه ای متکثر باشد در چه چیزی تکثر پیدا می کند اولین موردش می تواند همان بحثی که

شما اشاره کردید قومیت‌ها باشد نژاد باشد مذهب باشد دین باشد موارد اینگونه هست باز طبقات اجتماعی که در جامعه شکل می‌گیرد مثلاً جامعه ما در کلانش سه طبقه پایین متوسط بالا دارد اینها تعارض منافع دارند خواسته‌هایی دارند نگرش‌های متفاوتی دارند خود این به نوعی جامعه را متکثر می‌کند یا گروه‌های تخصصی اصناف شما ببینید پیش یک راننده تاکسی بنشینید یک‌طور مسائل را می‌فهمد تحلیل می‌کند پیش یک مهندس بنشینید مسائل کشور را یک‌طور دیگر برای شما توضیح می‌دهد این تخصص‌ها در جای خودش جامعه را تکثر می‌کند.

یک سطحی از تکثر که بیشتر به چشم می‌آید تکثرات سیاسی گروه‌های سیاسی که به دنبال قدر هستند خودشان را ذی‌ذی‌نفع می‌دانند صاحب حق می‌داند و می‌خواهند دستیابی به قدرت داشته باشند یک سطح دیگری از تکثر که امروزه بیشتر دارد خودش را نشان می‌دهد تکثر در سبک‌های زندگی است یعنی آدم‌هایی که اینها هر کدامشان فکر می‌کنند باید یک‌جور زندگی بکنند که متفاوت از شماسات و این را حق خودش می‌داند حالا می‌شود موارد دیگر هم اشاره کرد مثلاً ما روستایی و شهری داریم به هر حال یک‌جور تکثر است ولی در جامعه ما برخی از اینها خیلی موضوعیت آنچنانی ندارد.

تکثرات اجتماعی، طبیعی یا مصنوعی؟!

فرهنگ پویا: آیا این تنوعات یک امر طبیعی است که اتفاق می‌افتد یا نه یک امر تصنعی است که به ما تحمیل می‌شود؟ **استاد:** عمده این تنوعاتی که ما داریم در جامعه می‌بینیم تنوعات طبیعی است یعنی ما در جامعه‌ای که زندگی می‌کنیم خودبخود اینها وجود می‌آید حالا دلایل مختلفی دارد شاید مناسب باشد من به یک آیه قرآنی اشاره کنم چون جامعه ما جامعه دینی است و از این زاویه بحث را ببینیم آیه ۱۳ سوره حجر شأن نزولش را من اول اشاره کنم، دو سه مورد شأن نزول دارد همه بحث سر این است که یک گروهی یک کسانی می‌خواهد کسان دیگر را کوچک بشمارند تحقیر کنند مسخره کنند از جمله یکی از شأن نزول هایش اذان گفتن بلال بود بعد از فتح مکه که بلال می‌خواهد اذان بگوید یک عده‌ای می‌گویند این سیاه‌پوست این‌گونه اعتراض دارند آیه نازل می‌شود قرآن به آنها می‌گوید شرم کنید این چه روش برخوردی هست می‌گوید

إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ مَا هُمْ رَا زَ وَ زَن آفریدیم اینجا وحدت را می‌رساند که ما همه یک نوع هستیم انسان هستیم مشترکیم منتها بعدش می‌گوید

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ

ما شما را گروه گروه کردیم شعبه

شعبه کردیم یعنی این خواست خدا در این هست مصلحت خدا می‌طلبد ما یک تنوعاتی داشته باشیم حالا در ادامه آیه می‌فرماید

در این هست فلسفه آفرینش

لِتَعَارَفُوا

تا همدیگر را بشناسید و بعد از شناخت بتوانید با همدیگر تعامل داشته باشید

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ

که ملاک برتری قوم و قبیله نیست چیز دیگر است که حالا این در بحث راه‌کارها که حالا ما نمی‌خواهیم وارد این بخش شویم.

این تنوع قومیتی نژادی و این گروه‌گروه شدن‌ها مصلحت الهی در این هست که ما بتوانیم اینجا زندگی کنیم تعالی ما در این پرتو اتفاق می‌افتد البته در دوران معاصر عواملی که ما را متنوع می‌کند خیلی افزایش پیدا کرده مثلاً جامعه صنعتی شده به سمت صنعتی شدن رفته تقسیم کار پیچیده بوجود آمده نکته ای اشاره کردم که ما شغل‌های مختلفی داریم اصلاً روان‌شناسی یک طلبه با روان‌شناسی یک راننده با یک قصاب متفاوت است اصلاً در کسان خواسته‌هایشان.

فرهنگ پویا: یعنی مثل جامعه‌های قدیم بسیط نیست پیچیده شده؟

استاد: بله یک دست نیستیم در گذشته راحت می‌توانستیم همه مثل هم فکر کنیم همه این‌گونه بودیم اکثریت یک‌جور مسئله‌ها را می‌فهمیدند ولی الان اینگونه نیست خیلی تنوع پیدا کردند به اقتضای یکی از اینها صنعتی شد یا مثلاً ما جهانی شدن را شاهد هستیم ما را خیلی با فرهنگ‌های دیگر آشنا می‌کند و خیلی در نزدیک هم قرار می‌دهد و تعامل با هم قرار می‌دهد.

فرهنگ پویا: دهکده جهانی که ارتباطات کوچک می‌شود.

استاد: بله در این فضا ما تکثرات را می‌بینیم و با آن درگیر می‌شویم.

یا مثلاً علم که رشد کرده ماها را تخصصی کرده باز همین هم دارد بینش‌های متفاوتی به ما می‌دهد فضای متفاوتی را دارد در بین ما رقم می‌زند مجموعه این عوامل البته ما اینها را می‌دانیم که اینها از تمدن غربی منشأ گرفته و ما یک جاهای با تمدن غربی چالش داریم در همین بحث تکثرگرایی هم خودش را نشان می‌دهد که حالا به این اشاره می‌کنم منتها

«إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ»؛ ما همه را از یک

مرد و زن آفریدیم. این

وحدت را می‌رساند که

ما همه یک نوع هستیم،

انسان هستیم، مشترکیم.

اما بعد می‌گوید: «و

جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ» ما

شما را گروه گروه کردیم،

شعبه شعبه کردیم

یعنی خواست خدا در

این است، مصلحت خدا

در این است، فلسفه‌ی

آفرینش می‌طلبد ما یک

تنوعاتی داشته باشیم. در

ادامه‌ی آیه می‌فرماید:

«لِتَعَارَفُوا» تا همدیگر را

بشناسید و بعد از شناخت

بتوانید با همدیگر تعامل

داشته باشید. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» ملاک

برتری، تقواست.

قومیت و نژاد

اولین موردش شاید همین قومیت و نژاد باشد من دوست دارم یک اشاره تاریخی کنم در جامعه ما حالا نه جامعه ما تقریباً من یک آمار دیدم حدود چهار پنج درصد از جوامع هستند که تک قومیتی هستند یعنی عموم جوامع ما چهار درصد پنج درصد بگوئیم هشت تا ده تا از دویست جامعه یعنی حدود صد و نود جامعه تکثر قومیتی دارند یعنی با فرض درستی این سخن که البته ما در عمل هم می بینیم هر چه عوامل را نگاه می کنیم می بینیم این تکثر در آنها خیلی زیاد مشاهده می شود جامعه ما هم یکی از آن جوامع بوده و نکته جالبش اینجاست که ما در طول تاریخ مخصوصاً ایران بزرگ و فرهنگی ایران تاریخی را در نظر بگیرد تکثرات از حالا بیشتر بوده تکثرات قومی حالا در کنارش مذهبی دینی مثلاً ارمنستان یک زمانی ارمنستان جزء ایران بزرگ بوده دین دیگری بوده حتی مسلمان هم نبوده ولی نکته جالب این است که ما در جامعه مان با وجود این تکثرات قومی هیچ گاه جنگ های قومی نداشتیم جنگ های مذهبی نداشتیم مثلاً در زمانی که ما اکثریت سنی داشتیم جنگ مذهبی نداشتیم در زمانی که الان اکثریت شیعی داریم باز در جامعه ما جنگ مذهبی نداریم این یعنی چه این به معنای این است که ما آن فرهنگی که گفتیم پشتوانه جامعه هست و ما می توانیم در پرتو آن زندگی مشترک داشته باشیم در جامعه ما این ساز و کارهای زندگی مسالمت آمیز با همدیگر را در طول تاریخ یاد گرفتیم که چگونه در کنار همدیگر زندگی کنیم.

فرهنگ پویا: یعنی مثلاً اگر جنگی یا چیزی هم در زمینه مذهب بوده این به پشتوانه تحریک دیگری یا بیگانه؟

استاد: قطعاً آنها نقش داشتند.

فرهنگ پویا: در هر حال خود جامعه به راهکارهایی برای همگرایی رسیده؟

استاد: بله به راهکارهایی رسیده که بتوانند با همدیگر زندگی کنند آن وحدت را حفظ کنند.

در عین حال ما یک مقداری حالا ببینید اتفاقات اخیر که افتاد وقتی که ایران می رود مثلاً کوموله را بمب باران می کند اینها پسر خاله و دختر خاله و پسرعمو و مادر بزرگش در ایران دارد زندگی می کند یعنی زمینه یک انفجار وجود دارد ولی جامعه به آن سمت نمی رود این یعنی چه یعنی این جامعه می خواهد یعنی در کلیتش ما در تاریخ داشتیم که اقوام را تحریک کردند مثلاً رضاشاه می خواست یکسان سازی کند عشایر را از بین ببرد قومیت ها را می خواست این کار را کند وقتی رضاشاه می رود سمت آذربایجان یک عده ای فعال می شوند که یک کارهایی کنند جامعه تحریک می شود ولی در کلیت حرکت تاریخی جامعه ما یک یکپارچگی و وحدتی در آن قابل مشاهده هست.

فرهنگ پویا: به تعبیر دیگر رضاشاه آمد می خواست با زور و فشار همه لباسها را یکدست کند اما وقتی که رفت دیدیم مردم این ماجرا را نپذیرفتند به همان سنت های خودشان برگشتند.

استاد: روس ها آمدند اینجا دخالت کردند می خواستند مسجدهایشان را از بین ببرند یعنی از آن راه پس زدند.

حالا اصلاً کردها باشند ترکها باشند لباس خودشان را بپوشند با گویش و زبان خودشان صحبت کنند چه زمختی برای من فارس دارد چه مزاحمتی برای من ایجاد می کند باشه چه اشکال دارد کنار همدیگر باشیم تا با آن زبان و گویش در صحبت های خانوادگی با آن صحبت کن حتی دانشگاه

به فرض هم که تمدن غربی نبود ما قبل از آن هم تکثرات رو به ازدیاد بود و ما هم اگر به فرض تمدن اسلامی ما ادامه پیدا می کرد باز به این تکثرات می رسیدیم و تکثرات سابق تشدید می شد و حتی در جامعه آرمانی مهدوی که ما می سازیم آنجا هم این گونه نیست که یک جامعه یک دست کاملاً شبیه به هم داشته باشیم چرا این را عرض می کنم مگر آنجا یک جامعه جهانی نیست مگر آنجا وفور نعمت وجود ندارد وفور نعمت یعنی من می توانم از یک نعمتی استفاده کنم شما از یک چیز دیگر یعنی این سبک های زندگی را بطور طبیعی ایجاد می کند یا همان علم که ما داریم در آخر الزمان ۲۷ حرف کشف می شود و قبل از آن ۲ حرف بوده این همان علمی که الان دارد منشأ تکثر می شود آنجا به شدت این را می تواند زیاد کند لذا می خواهیم بگوئیم در کلیتش ما نباید از این واهمه داشته باشیم منتها برای ما چالش درست می کند آن جای خودش باید از آن بحث کنیم.

فرهنگ پویا: بنابراین تا اینجا متوجه شدیم عوامل مختلفی می آید در کنار هم قرار می گیرد یک جامعه را متکثر می کند و به نوعی بخشی از آن خارج از اراده ما هست چون دنیا دارد به یک سمتی می رود حالا به تعبیر شما فضای مدرن و صنعتی شدن و دنیای فعلی و ارتباطات یا تخصصی شدن علوم خواه ناخواه جامعه را به سمت یکسری تنوعات و تکثراتی می برد.

استاد: البته منشأ در نوع خلقت انسان فقط بیرونی نیست یعنی ما آدمها این اقتضا را داریم به این سمت برویم.

فرهنگ پویا: مثلاً وقتی انسان را با سایر مخلوقات و حیوانات مقایسه می کنیم آنها میلیون ها سال است یک زندگی یک روال ولی انسان مدام در حال تغییری است.

استاد: نهایت شما یک پرنده می بینید الان لانه سازی را می آید روی آپارتمان می سازد در این حد.

تکثرات اجتماعی؛ فرصت یا تهدید؟

فرهنگ پویا: با این حال این تنوع و این تکثر خوب است یا بد است؟ فرصت است یا تهدید؟

استاد: حالا می آییم وارد بحث اصلی مان می شویم اگر ما نگاهی به این تنوعات و تکثرات از این زاویه داشته باشیم که اصلش طبیعی است حالا نه اینکه نشود اینها را ایجاد کرد که ایجاد هم می کنند؛ که تشدید هم می کنند برجسته اش هم می کنند مثلاً قومیت ها را برجسته می کنند برای یک جامعه عامدانه می خواهند این مکمل هم است ولی اصلش طبیعی است وقتی ما این نگاه را داشته باشیم ما می توانیم نگاهمان به آن مثبت باشد یعنی می گوئیم یک چیزی را که خدا در این جهان گذاشته و اتفاقاً شکوفا شدن خیلی از استعداد های ما تعالی جامعه خیلی از آنها به همین تکثرات است مثال ساده اش این تخصص ها اگر اتفاق نیفتاده بود و این تکثرات درست نشده بود ما می توانستیم خیلی از نیاز های الان خودمان را به این شکل فعلی تأمین کنیم نمی توانستیم این کلیتش این گونه هست عرض کردم آن را هم آن طرف قضیه اضافه کنیم که یک عده ای برنامه ریزی شده می خواهند برای ما چالش ایجاد کنند اما حالا بیاییم در وضعیت جامعه خودمان من فکر می کنم اگر ما بیاییم مصداقی تک تک اینها را مورد بحث قرار دهیم شاید مناسب تر باشد درک بهتری از آن پیدا کنیم.

هم رشته داشته باش زبان ترکی را بخوان ولی یک زبان رسمی تمدنی هم داریم که مرادفات سطح کلان جامعه را داریم با آن انجام می‌دهیم حالا ترک‌زبان است کردزبان است لر است فارس است هر چه هسته خدمات عمومی کشوری را باید دریافت کند مگر چه اشکالی دارد یعنی تفاوتی وجود ندارد این‌گونه باشد آدم‌ها می‌توانند کنار همدیگر زندگی کنند اگر تحریکی وجود نداشته باشد.

مذهب

من اینجا باز درباره مذهب یک نکته اضافه کنم ما همین‌طور که اشاره کردیم در گذشته تاریخی‌مان چه آن زمانی که اهل سنت در جامعه ما اکثریت را داشتند چه بعد از آن که از صفویه به بعد شیعه اکثریت پیدا کرد ما تضادهای حادّی که ببخواهند ما را به سمت جنگ بکشاند نداشتیم معنایش هم عرض کردیم این است که در فرهنگ ما یک چیزی شکل گرفته که راهبر ماست برای یک زندگی مشترک این بستر در جامعه ما وجود دارد منتها حالا تحت عواملی امروز یک مقداری شاید احساس کنیم که زمینه یعنی مسئله مذهب شاید بیشتر از قومیت بتواند در جامعه ما گسل ایجاد کند من به نظرم می‌آید شاید یکی از راهکارهایی که بشود روی آن تأکید کرد این است که ما در حوزه ارتباطات دینی‌مان اگر دین را در سطح خودمان وقتی گفتگوهای درون مذهبی داریم قطعاً باید یک دین کلامی داشته باشیم با معتقدات خودمان کار کنیم روی آنها حساس باشیم هر مذهبی جای شوخی نیست. هر مذهبی باید اینگونه باشد ولی در تعاملات‌مان سراغ دین اجتماعی برویم یعنی آنجایی که همین دین من که این اعتقادات را برای من دارد وقتی می‌آید در عرصه اجتماع فعال می‌شود یک توصیه‌هایی برای تعامل با دیگران دارد حالا همان کاری که امام صادق (علیه‌السلام) می‌کرد امام صادق (علیه‌السلام) روایت داریم که امام ما می‌آید برای فقرای اهل سنت نام می‌برد البته آنجا هم یک تمایزی می‌گذارد می‌گویند چرا به آنها می‌دهی می‌گوید اگر از ما بودند که یک خورشتی هم کنارش می‌گذاشتیم ولی باز هوایشان را دارد به آنها کمک می‌کند این دین اجتماعی را ما اینجا فعال کنیم همان چیزهایی که هر کس در مذهب خودش دارد که دیگری که از دین دیگری هست مذهب دیگری هست چگونه مواجهه پیدا کنید خیلی از این چالش‌ها را می‌تواند در جامعه ما برطرف کند حالا من می‌خواهم در ادامه اشاره کنم به یک موارد دیگری که در جامعه تکرر دارد یک مقداری هم می‌تواند زمینه چالش داشته باشد.

طبقات اجتماعی

یکی از آنها بحث طبقات اجتماعی است بحث طبقات اجتماعی شاید آن بخشی که از یک جهاتی از حیث طبقگی بیشتر چالش ایجاد بکند یکی طبقه بالاست که بیشتر به

سمت منافع خودش می‌رود و یک جاهایی در تعارض با منافع ملی قرار می‌گیرد به هر حال چون این طبقات بالا لاقلاً از نظر اقتصادی منافع گسترده‌ای در این جامعه دارد این می‌خواهد منافعش را حفظ کند یک جاهایی مثلاً فرض کنید در دلار دارد کار می‌کند دلار نفعش به این است که فرض کن قیمت دلار بالا برود این بحث اقتصادی می‌شود از بحث‌های اجتماعی فاصله می‌گیریم ولی باز تاب اجتماعی دارد آن طرف قضیه من می‌خواهم حالا یک مقدار بیشتر روی آن طرف قضیه اشاره کنم ما در طبقات پایین جامعه یک مشکلاتی داریم و یک چیزی که مشکل را مضاعف می‌کند اینکه این طبقه به آن معنا در جامعه نماینده ندارد زبان گویا ندارد فرض کنیم مشکل مثلاً کارخانه در اراک داشتیم در هفت تپه مشکل داشتیم بعد از اینکه مشکل خیلی جدی می‌شود مثلاً نمایندگان حکومت می‌آیند قوه قضائیه می‌آید چرا صبر کنیم هشت ماه این حقوق نگیرد بعد به این چرا یعنی اگر این تکاثر یک جاهایی جدی‌تر دیده شود که بگوییم تو بخشی از این جامعه هستی انسان مؤمنی هستی اینجا داری زندگی می‌کنی مشکلی داری چگونه تو خواهی حرفت را به من حاکمیت برسانی یا مثلاً چه اشکالی دارد که اگر نماینده ندارد امام جمعه شهر نماینده او بشود قبل از اینکه بخواهد مثلاً رادیو تلویزیون بیگانه این خبر بیاید از طرف امام جمعه پیگیری شود این یک چالشی در جامعه ما هست

فرهنگ پویا: یعنی ما با این تدابیر حلش کنیم؟

استاد: حلش بکنیم یعنی یک جوری حرفش را بتوانیم بشنویم صدایش به گوش ما برسد گاهی اوقات باید برای این سازوکار تعریف کرد یعنی ما می‌گوییم این طبقه مشکل دارد چگونه حرفش را باید بزند این را تعریف کند که بیایند با حاکمیت بدون لکنت زبان حرفش را بزند درد دل کند نخواهد داد بزند به آن مرحله نرسد این یکی از چالش‌هایی است که در جامعه در حوزه طبقات به نظرم وجود دارد آنطرفش کسانی که منافع فردی و شخصی‌شان را بر منافع ملی یک جایی ترجیح می‌دهند اینطرفش هم کسانی که ممکن است صدایشان به جایی نرسد یک چالش اینگونه

فرهنگ پویا: و این هم با تدابیری حل می‌شود.

استاد: بله قابلیت پیگیری دارد و راه کارهایی می‌شود برای آن پیدا کرد که مشکل را حل کند.

گروه‌های سیاسی

یک مورد دیگر که ما در جلسه قبل مطرح کردیم بحث گروه‌های سیاسی است احزاب و گروه‌های سیاسی ما از یک طرف می‌بینیم در جامعه ما هم گروه‌های سیاسی فعال هستند به هر حال همه آنها رئیس‌جمهور می‌شوند همه آنها نماینده مجلس می‌شوند از یک طرف هم یک چالشی وجود دارد که برخی از آنها می‌گویند که قدرت سیاسی قدرت حاکمیتی دارد ما را حذف می‌کند این یک چالشی است اینها هم نمایندگان و طرفدارانی در جامعه دارند بالطبع آنها هم احساس دلسردی آن وحدت و یکپارچگی جامعه را دچار

در این بحث تکررات
اجتماعی، آن که برای
ما چالش ایجاد می‌کند،
در عین حال که ما با آن
مشکلی نداریم ولی در
مواقعی چون از تمدن
غرب آمده برای ما چالش
درست می‌کند!



که دلت خواست خریدی منتها یک جاهایی در جامعه ما با اینکه این سلیقه‌ها خیلی زیاد است و خیلی‌ها پیش هم اصلاً هیچ چالشی برای ما درست نمی‌کند ما عرض کردیم حالا جامعه مصرفی یک جاهایی خود منطبق حاکم بر آن یک جاهایی با فلسفه‌های زندگی ما که ما همیشه می‌خواهیم مصرف کنیم همیشه فکر و ذکر ما با اینها خیلی سازگاری ندارد ولی ما جامعه وفور نعمت هم داریم دائماً این نعمت‌ها را از خدا بدانی بجا مصرف کنی درست اسراف نکنی به دیگران ببخشی از بخشش لذت ببری ما داریم در عصر ظهور که طرف می‌خواهد زکات مالش را بدهد فقیر پیدا نمی‌کند در این جامعه هم ما وفور نعمت داریم اینجا هم تکثر داریم می‌خواهیم بگوییم این طور نیست که همین وفور هم بخواهد برای ما مشکل درست کند یک جاهایی مثلاً مشخصاً در بحث حجاب برای ما یک مسئله چالش برانگیز شد که البته به وحدت ملی در آن سطح ولی زمینه دارد که کم‌اینکه می‌خواستیم این کار را کنند که انسجام جامعه را

فرهنگ پویا: حوادثی که سال گذشته رخ داد.

استاد: بله از مسئله‌ای مثل حجاب دارد شروع می‌شود ولی می‌خواهد به فروپاشی اجتماعی منجر شود می‌خواهد در همه جا این را سرایت بدهد و حجاب را طوری تعریف کند که چون حاکمیت می‌گوید حجاب پس این اصلاً صلاحیت حکومت‌گری ندارد می‌خواهد به آنجا برساند. **فرهنگ پویا:** یعنی آن را به یک امر شخصی تنزل بدهد و از طرف دیگر آن را مقابل حاکمیت قرار دهد.

استاد: بله، بحث پیچیده‌ای بود سال گذشته اتفاقاتی که داشت می‌افتاد در بحث وحدت ملی که می‌خواستند از این طریق عمل کنند مثلاً بحث فوتبال که مطرح شد می‌خواهد بگوید شما نباید نماینده این ملت و این حاکمیت باشید نباید بازی کنید به عنوان نماد ملت را می‌خواهد ... به هر حال از این چیزها خیلی داشتیم

حالا حجاب برای ما یک چالش هست

و می‌تواند در سطح ملی هم بازتاب

پیدا بکند من حدسم این است که با

اینکه یک ضرورت دینی هست

اما بزرگان ما تلاششان بر این

بوده که در عین حالی که این

را حفظ کنند چالشی با انسجام

اجتماعی وحدت ملی پیدا نکند

یک‌جور کج‌دار و مریض یا با

سیاست‌هایی که تنش ایجاد

نکند مسئله را حل کند.

فرهنگ پویا: یعنی در هر حال

باید تدبیر شود؟

استاد: بله حالا اینجا یک جایی هست

که یک عده‌ای از افراد جامعه تلقیشان

این است که حجاب مسئله شخصی

است سبک زندگی است همان طور که

من آن مارک شامپو را می‌خرم حجاب

هم می‌توانم این‌جوری بپوشم.

خدا می‌کند از آن طرف قضیه هم همین گروهی که می‌گویند ما داریم از قدرت سیاسی حذف می‌شویم خودشان یک جایی جا پای اوپازیسسیون دارند می‌گذارند یعنی دو طرف قضیه یعنی به‌طور طبیعی است که حاکمیت نمی‌تواند اوپازیسسیون را در خودش جا بدهد این هم یک واقعیتی است که جامعه ما را دچار یک چالشی در حوزه سیاست می‌کند که یک عده‌ای هستند که هم می‌گویند ما می‌خواهیم حضور داشته باشیم هم کارهای اوپازیسسیون می‌کنند که این هم یک چالشی در جامعه هست.

فرهنگ پویا: یعنی به تعبیر دیگر ما اختلاف سیاسی اختلاف به معنای اختلاف سلیقه اختلاف سلیق را می‌پذیریم و مشکلی نیست و شاید در جوامع هم باشد اما این اختلاف سلیقه دیگر نباید تبدیل به اختلافات مبنایی شود که یک عده از آن طرف بام بیفتند و بروند گرایشی به سمت اپوزیسسیون پیدا کنند این دیگر نشان می‌دهد اختلاف در مبنا هست.

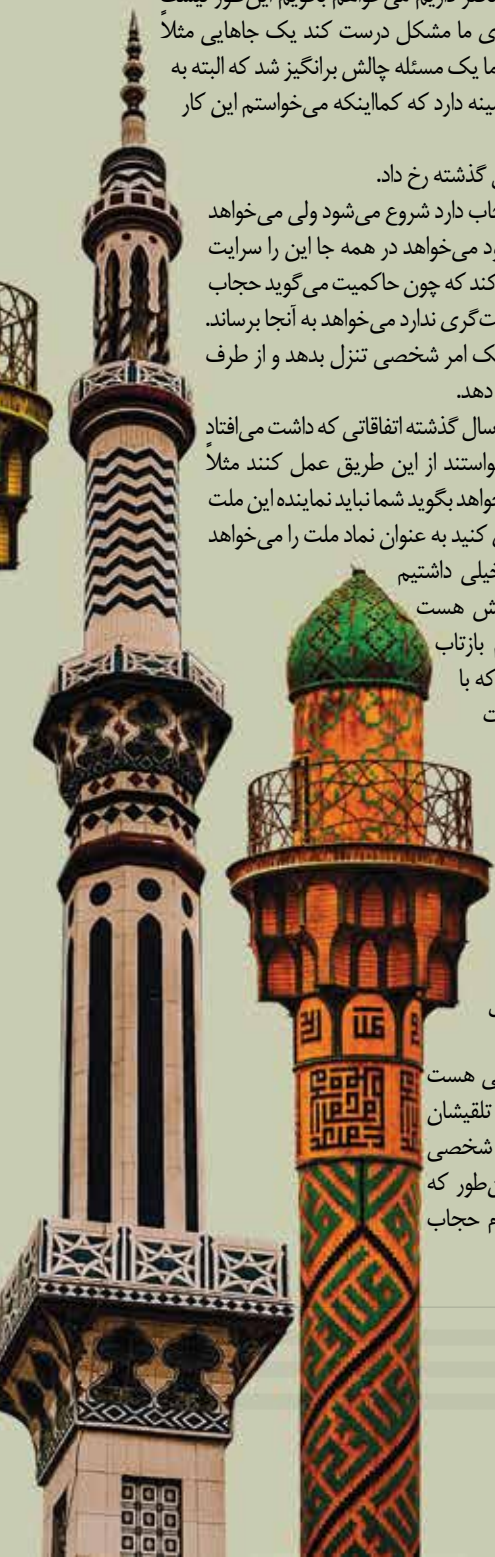
استاد: حتی بیش از سلیقه را شما می‌خواهید مثلاً تصمیم‌گیری کنید که دولت برود به سمت مثلاً تولید خودرو در کشور یا برود به سمت نرم‌افزارهای کامپیوتری بیا تحلیل کن استدلال کن یعنی فقط سلیقه‌های در حد شخصی و فردی هم نیست می‌تواند مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشد و خیلی جاها اصلاً اینگونه نیست که تعارضی با منافع ملی ما داشته باشد یعنی روی گفت‌وگویی ما می‌توانیم اینها را اولویت‌سنجی کنیم یکی را انتخاب کنیم الان ما رفتیم به سمت خودرو ده‌ها پیامد گسترده اجتماعی در جامعه ما ایجاد کرده مثلاً چاقی برای ما آورده ترافیک آورده مشکلات بنزین و شورش‌ها اگر ما به سمت خودروسازی نمی‌رفتیم یک سیاستی داریم می‌گیریم و ده‌ها پیامد مختلف فرهنگی اجتماعی بهداشتی سیاسی دارد در جامعه رقم می‌خورد بیا درباره اینها بحث کن بین کدام اولویت ماست ما باید به سمت کدام برویم کدام در آینده بیشتر برای ما مفید است می‌خواهیم بگوییم بیشتر از سلیقه‌ها می‌شود اینجا به آن بهاء داد و به نفع جامعه و در چارچوب وحدت ملی.

فرهنگ پویا: باز اینها به تدابیری می‌شود تبدیل به وحدت شود.

استاد: بله این یک مورد که گروه‌های سیاسی بود من یکی دو مورد دیگر می‌خواهم اشاره کنم که باز برای ما می‌تواند چالش ایجاد کند بحث سبک‌های زندگی است یک مورد گفتیم ابتدا در جامعه مصرفی امروزه شما الان می‌روید یک جایی می‌خواهید خرید کنید می‌خواهید یک گوشی بخرید گیج می‌شوید آن قدر تنوع در گوشی‌ها وجود دارد و مدل‌های مختلف که حاج و واج می‌مانی نمی‌دانی می‌خواهی چه کار کنی یک بیسکویت می‌خواهی برای مثلاً دخترت پست برود در مغازه خودش بخواهد بردارد صدها نوع بیسکویت ممکن است آنجا ببیند یک شامپویی می‌خواهی بخری سرت را بشویی مشکل انتخاب داری این یعنی چه یعنی جامعه مصرفی شده حالا هر کسی یک چیزی را دارد انتخاب می‌کند حق انتخاب دارد مخصوصاً اگر توسط متوسط جامعه این هم به نوعی تکثر است حالا خیلی جاها اینها مهم نیست به آن سلیقه‌های فردی برمی‌گردد حالا خیلی وقت‌ها این شامپوها هم یک شرکت ده نوع شامپو با ده تا اسم در بازار آورده من الف را می‌خرم شما ب را می‌خری همه هم یک چیز است سرت را یک‌جور تمیز می‌کند یا نمی‌کند یا آسیب می‌زند یا نمی‌زند همه یک چیز است.

فرهنگ پویا: برای ذائقه مخاطب است قلقلک می‌کند که پول بیشتری گیر آن سرمایه‌دار می‌آید.

استاد: بله گیر آن می‌آید شما هم راضی هستی احساس می‌کنی آن چیزی



در یک جاهایی انکار می‌کنند وجود نفس الامری چیزی یک بخشی از مشکل ما اینجاست یک بخشی آنجاست که با تکثراتی که از غرب می‌آید اینکه اومانسیم در آن موضوعیت دارد آزادی به عنوان آزادی فردی نه اینکه آزادی بد است ولی این را اساس حالا به اصطلاح گفتمانی‌ها دال اصلی گفتمان‌ش قرار می‌گیرد و همه چیز را می‌خواهد براساس این بسنجد و قضاوت کند لذا اینجا در بحث حجاب شما وارد می‌شوی می‌گویی من آزادم حالا این آزادی شخصی من با جامعه چه نسبتی پیدا می‌کند خیلی موضوعیت ندارد مهم نیست من مهم هستم حالا این با منافع ملی مثلاً چه نسبتی پیدا می‌کند با اهداف خلقت با زندگی اخروی شما با دین چه نسبتی پیدا می‌کند اینها اصلاً موضوعیت پیدا نمی‌کند و حذف می‌شود به هر حال یک چالش‌های اینگونه‌ای هست.

فرهنگ پویا: بجای اینکه بگویند من آزادگرا هستم می‌تواند بگوید من کمال‌گرا هستم اما آن دال مرکزی را آزادی می‌گذارد و همه چیز را تحت شعاع خودش قرار می‌دهد.

استاد: بله حالا می‌تواند کمال‌گرا باشد و آزادی هم به هر حال شما اگر آزاد نباشید به کمال نمی‌توانید برسید چون در قیامت که خدا می‌خواهد به شما پاداش بدهد براساس انتخاب‌هایی بود که شما انجام دادید اگر شما حق انتخاب نداشتید.

فرهنگ پویا: ولی همه اینها در راستای رسیدن به آن کمال و سعادت است.

استاد: و اصل و اولی و اساسی‌ترین نیست که این حالا در فرهنگ ما اینگونه نیست آزادی یک حق تو هست ولی یک حق هست در مقابل ده تا حق دیگر در کنار آن ده تا حقی که دیگری هم دارد او هم حق دارد که به کمال برسد شما داری مانع کمال او می‌شوی مانع حتی دنیای او می‌شوی عیب ندارد آن هم مزاحمت است یعنی حق‌الناس در ذیل حق‌الناس معنادار می‌شود به هر حال ما یک چالش‌های اینگونه هم داریم اینکه من عرض کردم طبیعی است یا آن چالشی که ابتدا عرض کردم اینکه همه اتفاقاتی که در جامعه ما دارد رخ می‌دهد طبیعی نیست یعنی انتخاب خود ما ایرانی‌ها نیست که به این مسئله بپردازیم این مسئله اولویت فکری ما باشد و حتی بعد از آن یعنی برای ما تعیین می‌کنند که شما باید مثلاً به قومیت فکر کنی به حجاب فکر کنی و نه تنها به آن فکر کنی این گونه فکر کن به تو می‌گویند که نسخه‌ات این است این هم باز یعنی ما به عنوان یک ایرانی این بعد مسئله را هم در نظر بگیریم که لااقل خودمان بیابیم برای خودمان تصمیم‌گیری کنیم اگر بخواهیم حتی متنوع باشیم متکثر باشیم تفاوت با هم داشته باشیم لااقل دیگری به ما نگوید

فرهنگ پویا: یا حالا در موضع دیگر هم هست مثلاً در زندگی آپارتمانی خیلی خودش را نشان می‌دهد مثلاً دوست دارد این‌گونه رفتار کند با سگ در آپارتمان زندگی کند یا پارتی‌های آن شکلی بگیرد تا نیمه شب وقتی هم به او می‌گویی می‌گویند حرم خودم هست باز می‌خواهد مسئله را شخصی کند.

استاد: بله سبک زندگی در این چیزها هم حضور دارد منتها چیزی که هست این قسمت بیشتر در حوزه فرهنگ یعنی به عنوان یک آسیب فرهنگی که می‌خواهد هنجارهای فرهنگی را یعنی می‌خواهم بگویم به سطح ملت و ملیت به آن سطح کشیده نشده یا ممکن است اصلاً نشود من به حجاب مثال زدم چون دارد به بحث ما ربط پیدا می‌کند ممکن است خیلی تنوعات دیگر هم باشد که ما نپسندیم یا بگوییم اینها غلط است یا به دلایل سابقه فرهنگی ما به دلیل کارکردهایی که در زندگی ما دارد به دلایل دینی به هر دلیلی ممکن است اینها را نپسندیم ولی یک جاهایی ممکن است در آن سطح چالشی ورود پیدا کند من به یک نکته پایانی اشاره کنم ما در این بحث تکثرات آن که برای ما چالش ایجاد می‌کند به این نکته توجه نکنیم که این تکثرات ابتدای جلسه قبل اشاره کردم بخشی از این تکثرات از تمدن غربی آمده در عین حال ما با آن مشکلی نداریم ولی یک جاهایی چون از آنجا آمده برای ما چالش درست می‌کند مثال بزنم به ما می‌گویند که این تکثرات را بپذیرید و به آن بایبند باشید و گفت‌وگو کنید تا اینجا خوب است گفت‌وگو کنید ما هم اشاره کردیم مثلاً طبقه پایین جامعه مشکل دارد بیاید حرفشان را بشنویید گفت‌وگو کنید ببینید مشکل چیست چگونه می‌شود حلش کرد با حاکمیت در ارتباط باشیم مثلاً امام جمعه‌ای که نماینده ولی فقیه در جامعه هست بیاید با حاکمیت با استاندار با دیگران صحبت کند مشکل را حل کند منتها اینجا یک چیزی که وجود دارد اینها گاهی اوقات می‌گویند که در این گفت‌وگوها حقیقت دارد ساخته می‌شود یعنی آنچه که ما به آن رسیدیم دیگر این عین حقیقت است نه راه‌کار من است نه نظر من است اینجا یک جورایی چالشی که داریم چالش نسبیّت معرفتی هست که اگر بخواهیم کاملاً به آنچه که آنها می‌گویند آنها حالا نتوانستند حقیقت را برای خودشان در بحث معرفتی عرض کنند به این راهکارها تنزل دادند و به این راهکارها رسیدند و حقیقت را یک جورایی

